

# برآمدن عباسیان

## ایدئولوژی مذهبی و اقتدار سیاسی

---

نادر نادری

ترجمه

عبدالحسین آذرنگ؛ نگار نادری

## مندرجات

فصل یکم: طرح مسأله .....	۹
۱. پیش زمینه نظری.....	۱۱
۲. ملاحظات روش شناختی .....	۲۶
۳. سهم مورد انتظار.....	۳۱
فصل دوم: در باب مسأله ایدئولوژی .....	۳۵
۱. زمینه اجتماعی - سیاسی انقلاب عباسی.....	۳۶
۲. ایدئولوژی و اقتدار.....	۴۳
فصل سوم: الگوهای زمین داری، سامانه های آبیاری و ساخت روستا .....	۷۷
۱. سرچشمه ها .....	۷۸
۲. اسلام، عباسیان، و مسائل زمین .....	۸۶
۳. کشاورزی، آبیاری، و نظام روستا .....	۱۱۹
فصل چهارم: نتیجه گیری .....	۱۴۷
۱. نقش ایدئولوژی .....	۱۴۸
۲. مسائل زمین، آبیاری، نظام روستایی .....	۱۶۱

برآمدن عباسیان

صورت خلفای نخستین عباسی ..... ۱۷۲

فهرست منابع ..... ۱۷۳

نمایه ..... ۱۷۹

## فصل یکم

### طرح مسئله

پیدایش بنیادگرایی مذهبی و آشوب پیامد آن در چند کشور اسلامی در سال‌های اخیر، توجه دگرباره‌ای را به مطالعه اسلام، هم به عنوان ایدئولوژی و هم به منزله حکومت، موجب شده است. ویژگی مشترک بسیاری از این مطالعات، ویژگی‌ای که در بیشتر بررسی‌های پیشین در این موضوع نیز دیده می‌شود، تأکید آن‌ها بر سرشت مطلق‌گرای حکومت در سرزمین‌های اسلامی است که از آن غالباً با عنوان «استبداد شرقی» یاد می‌شود. به سخن دیگر، مفاهیمی چون رو به انحطاط، خودکامه، خودسرانه یا استبدادی برای توصیف ساختار دولت اسلامی، پیوسته به کار رفته است.

هدف رساله حاضر دو چیز است: نخست جست و جوی ریشه‌های نظری فرضیه استبداد شرقی در حوزه جامعه‌شناسی. برای این منظور، نشان داده خواهد شد که بررسی مطلق‌گرایی اسلامی به طور کلی، از تکرار مجموعه‌ای از مضامین و اندیشه‌های بسیار تعمیم یافته و بلکه ساده‌انگارانه، فراتر نرفته است؛ مضامین و اندیشه‌هایی که پس از کاربرد دراز مدت، و از این‌رو اجتناب ناپذیر نزد مردم، پابرجا شده است. هدف

دوم، و حتی مهم‌تر از اولی، مقایسه کردن و در برابر هم قراردادن تصورات کلیشه‌ای با دوره مشخصی در تاریخ است؛ برای این منظور، دوره نخست خلافت عباسی انتخاب شده است.

اگرچه تأسیس نظام خلافت حدود یک قرن پیش از انقلاب عباسیان (۱۳۲ ق/ ۷۵۰ م) است، دوره پیش از عباسیان تقریباً با جنگ‌های مداوم داخلی و کش مکش‌های درونی همراه بوده است. از این گذشته، دولت هنوز در مرحله شکل گرفتن بود، و منطقه تحت فرمانروایی مسلمین، هم‌چنان در حال گسترش. انتقال خلافت از امویان به عباسیان، در واقع نقطه عطفی در تاریخ دولت اسلامی به شمار می‌رود؛ پیش درآمد دگرگونی‌های مهمی در همه زمینه‌های حکومت بود، که از آن پس به سان سرمشقی برای بسیاری از دولت‌های جانشین قرار گرفت.<sup>۱</sup> از سوی دیگر، قدرت عباسیان به رغم پنج قرن حکومت، پس از یک صد سال نخست، یا همین حدود، به تدریج روی به زوال نهاد. همان‌گونه که برخی از تاریخ‌نگاران اشاره کرده‌اند<sup>۲</sup>، خلفای عباسی در سه قرن آخر حکومتشان، عملاً به مقام‌های صرفاً تشریفاتی تنزل رتبه یافتند. از این‌رو، دوره حدوداً میان ۱۳۲-۲۳۶ ق/ ۷۵۰-۸۵۰ م، شاید بهترین تصویر را از نخستین گونه دولت اسلامی نیرومند و متمرکز، به مارائه دهد. این دوره‌ای است که به گفته هاجسن<sup>۳</sup>، مطلق باوری در اوج خود بود. نیز دوره‌ای بود که نشانه‌های رونق و پیش‌رفت در بیش‌تر جنبه‌های زندگی به چشم می‌خورد. در واقع این دوره اگر «عصر زرین اسلام» قلمداد نشود، بسی

<sup>۱</sup> Epstein, 1966; Humphreys, 1991.

<sup>۲</sup>. برای مثال: 1974 Hodgson,

تردید باید به منزله یکی از با اهمیت‌ترین مراحل در توسعه کلی تمدن اسلامی بهشمار آید.

پس اگر خلاصه کنیم، هدف اصلی در این رساله فقط انتقاد کردن از الگوهایی نیست که برای دولت اسلامی ساخته‌اند، بلکه کشف کردن مسئله و دست‌یافتن به گزینه‌ای ممکن است. امید آن‌که از خلال همین روند گشودن و کشف، برگوشه‌های تاریکی از گذشته پرتو بتاخد و به سهم خود به منزله راهنمایی باشد برای بهتر فهمیدن اوضاع و احوال کنونی؛ و بهتر فهمیدن جامعه‌های اسلامی جنبه‌ای است که در این برهه حساس لازم است، در برهه‌ای که این جوامع با مشکلات درونی و بروندی فراوانی دست به گریبان‌اند، مشکلاتی که می‌تواند بر صلح و ثبات سراسر جهان تأثیر بگذارد و آن را در هم بربزد.

## ۱- پیش‌زمینه نظری

از دیرباز در دنیای غرب دلیل می‌آوردنده که ساختار جامعه‌های اسلامی از ترتیبات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خاصی برخوردار است که با عنوانی چون «شیوه تولید آسیایی»، «سلط پدر سالارانه» یا «استبداد شرقی» شناخته شده است. اگرچه ریشه (های) این برداشت‌ها به پیش از تأسیس جامعه‌شناسی به عنوان حوزه مطالعه جداگانه و شناخته شده بازمی‌گردد، اما دو تن از آبای بنیادگذار این حوزه، یعنی کارل مارکس و ماکس ویر، بعداً این برداشت‌ها را گرفتند و بسط و تفصیل دادند.<sup>(۱)</sup> به راستی نه مارکس و نه ویر، جامعه‌شناسی جامعی درباره جوامع اسلامی، که با مطالعاتشان درباره اروپا قابل مقایسه باشد، ایجاد نکردند. نیز راست است که آن دو این جامعه‌ها را فقط بخشی از «شرق» بزرگ‌تر در نظر می‌گرفتند که از شمال آفریقا تا چین گسترش داشت. با این حال، مواد و